



دوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۲۰ هزار تومان ■ سال چهارم ■ شماره ۹۳۵
www.hammihaonline.ir



پیام‌های منطقه‌ای به تهران

بررسی سفر دیروز **هاکان فیدان** وزیر امور خارجه ترکیه که همزمان با او مقامی از عربستان هم به ایران آمد



داستان مهمانی آ.اس.پ

ارزیابی بازداشت دسته‌جمعی هنرمندان و اطلاعاتی از پشت پرده این اتفاق



سال سخت نتانیا هو

رخدادهای داخلی اسرائیل پس از جنگ با حماس و ایران و تأثیر آن بر انتخابات سال آینده



بشت‌صحنه يك دستور

تولیدکنندگان مرغ از حواله‌های صوری و فروش ارز ارزان در بازار آزاد می‌گویند

سرمقاله

ترقی معکوس

اگر بخواهیم پسرقت یا ترقی معکوس برخی از نهادهای کشور را نشان دهیم، مجلس نمونه مناسب آن است. اگر مجلس کنونی را با مجلس اول انقلاب مقایسه کنیم سطح و سلامت هر یک از نمایندگان، دغدغه‌ها، استدلال‌ها و رویکردهای کلان آنان زمین تا آسمان تغییر کرده ولی چه تغییری؟ منفی. امروز هم روز مجلس است که به مناسبت سالروز شهادت مرحوم مدرس نامگذاری شده است. به همین مناسبت، گزارش صفحات سیاسی امروز «مهم‌پهن» درباره نسبت مجلس موجود و مدرس است که نمایندگان کنونی و گذشته آن را نقد کرده‌اند. در پاسخی کوتاه باید گفت که میان این دو مورد هیچ نسبت محتوایی و نیز شکلی، متصور نیست. برای فهم این مسئله تا آنجا که مجال باشد، ویژگی‌های مدرس را به‌عنوان یک نماینده در چند دوره مجلس می‌شماریم تا این تمایز و ترقی معکوس در نهاد مجلس روشن شود.

► مدرس به‌عنوان یک مجتهد با مسائل کشور به امور مستحدثه برخورد فقهی نواورانه‌ای داشت و اداره کشور در چهارچوب دولت- ملت را خوب درک می‌کرد. جالب اینکه وی در دوره سوم سعی کرد فراکسیون هیئت علمیه (فراکسیون روحانیت) را تشکیل دهد؛ ولی بعداً دریافت که تصمیم ناموفقی بود، لذا تا سه دوره دیگری که در مجلس بود سراغ آن نرفت. در واقع، احساس کرد آنان به صفت لباس مشایه هستند؛ ولی دارای افکار و منافع و آرمان‌های یکسانی نیستند.

► مدرس رفتار بر مبنای تشخیص مصالح کشور را بسیار خوب به انجام می‌رساند. دو نمونه آن عبارتند از: اومخالف تغییر سلطنت و تأسیس سلطنت پهلوی بود ولی به‌رغم تغییر سلطنت و آمدن پهلوی، در انتخابات دوره مجلس ششم کاندیدا شد و به مجلس هم راه یافت. در مورد دیگر هم به‌رغم مخالفتش با رضاشاه، از لایحه نظام اجباری (سربازی) دفاع کرد. همچنین، مدرس در عین اصولی بودن اهل مصلحت‌سنجی و مصالحه‌گری هم بود و در موارد متعددی عمل به مصلحت می‌کرد. این ویژگی سیاست‌ورزی واقع‌گرایانه او بود.

► مدرس اهل انتقام‌کشی سیاسی با مخالفین نبود و حتی در مواقع ضروری با آنها بر سر مصالح کشور ائتلاف هم می‌کرد. مثلاً در جنگ اول و اشغال ایران با حزب رقیب ائتلاف کرد و کمیته دفاع ملی را با یاری آنها تشکیل داد.

► مدرس به‌عنوان یک نیروی سیاسی، بسیار مسئولیت‌پذیر و پاسخگو بود. برای نمونه او پذیرفت که تشکیل کابینه مهاجرت با یاری عثمانی‌ها و آلمانی‌ها در کرمانشاه اشتباه بود و آن را به‌صراحت در مجلس اظهار کرد.

► مدرس از فعال‌ترین نمایندگان مجلس در موضوعات مهم کشور بود و تقریباً در تمام موارد نطق می‌کرد و دارای موضع بود. ولی مهم‌تر از این در اغلب موارد حرف‌های حساب و منطقی می‌زد؛ به نحوی که همه نمایندگان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌داد.

► مدرس در تعامل با قدرت‌های بزرگ قائل به ایجاد موازنه بود و از برخورد‌های تند شعاری پرهیز داشت.

► مدرس یک نماینده ملتمز به شیوه اداره فراکسیونی مجلس بود و در چارچوب‌های فراکسیونی رفتار می‌کرد. همچنین تا پایان عمر خود به شیوه اداره پارلمانی کشور وفادار ماند و طرفدار حذف نامزدها نبود.

سلامت و پاکدستی و نیز غنای گفتاری و ادبی او نیز روشن است. اکنون می‌توانیم با نگاهی به وضعیت خود دریابیم که مجلس یا نمایندگان آن در ایران کجا بودند و اکنون کجا هستند؟ و چه نسبتی میان این الگوی رسمی نهاد مجلس با واقعیت آن وجود دارد؟

پرونده‌ای

به مناسبت

دهم آذرماه

سالروز شهادت

سید حسن مدرس

وروز مجلس

گزارش
پارلمان
۲۰۵

نسبت مجلس با مدرست

طرح: هادی خلدی / هم‌پهن

هرچند برخی نام‌گذاری‌ها در مناسبت‌های تقویمی از حیث تقارن جشن عمومی یا صنفی با یادآوری تلخ فقدان برای خانواده و نزدیکان قابل تأمل است (همچون روز معلم یا روز خبرنگار در سالروز دو ترور و قتل) - از این حیث که کبک می‌زنند و شادباش می‌گویند - اما در انتخاب دهم آذر به‌عنوان روز مجلس در جمهوری اسلامی ایران دقت و سلیقه کاملی صورت پذیرفته است. چرا که سیدحسن مدرس مشهورترین نماینده در تاریخ پارلمانتاریسم در ایران از فردای مشروطه تا کنون است؛ در هر دو عصر قاجار و پهلوی و البته سالروز قتل ناجوانمردانه او در محل تبعید در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ خورشیدی در حکومت بعد از آن دو در جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز مجلس تعیین و معرفی شده است. راز آن تنها در ضدیت مدرس با استبداد رضاشاه یا

نمایندگی مردم‌تهران در مجلس شورای ملی نیست؛ وکیل واقعی و نه سفارش و چینش شده خوانین یا دربار یا از فیلتر نهادهای حکومتی گذشته بلکه نماینده و به تعبیر خود او و آن دوران: وکیل مردم در پارلمان؛



مهرداد خدیو مهاباد سردبیر

الگو و شاخص دریغ و افسوس

چندان که از نقل و روایت گزارش مخالفت با اولتیماتوم روسیه در مجلس به «مشهدی عبدالکریم بقال» و حین خرید ماسک روزانه ابا نداشت و می‌گفت: «اینها موکلان من هستند و باید بدانند من در مجلس چه می‌کنم.» چرایی این نام‌گذاری را می‌توان جز دلیل اصلی اشتیاق سیدحسن مدرس - که بیش از اجتهاد و لباس روحانیت به نمایندگی ووکالت و مجلس شهرت داشت - در علاقه وافر شخص بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به او و یاد و اشاره مکرر به نام و مرام مدرس دانست و جست تا جایی که در میان شخصیت‌های تاریخ معاصر از هیچ‌یک به اندازه مدرس به دفاعات و با ستایش یاد نکرده و کزاف نیست اگر گفته شود امام خمینی از همان آغاز ورود به دنیای سیاست، مدرس را الگوی خود قرار داد چرا که دیگر چهره‌های برجسته سیاسی روحانی یا به اندازه مدرس، مذهبی نبودند یا اگر بودند و در لباس فقاقت یا مرجعیت، از سیاست دوری می‌گزیدند و خمینی جوان از همان آغاز گم‌گشته خود را در مدرس یافت چندان که در عرصه سیاست الگوی خود ساخت. یکی متولد ۱۲۴۹ خورشیدی بود و دیگری ۱۲۸۱ و این یعنی آیت‌الله خمینی ۳۲ سال با مدرس فاصله سنی داشته و بر این اساس روشن است که وقتی به تهران آمد تا به بهارستان ورود و مدرس را از نزدیک ببیند در سال‌های اول قرن تازه و بین ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ بوده و کمتر از ۳۰ سال داشته چون مدرس از ۱۳۰۷ به تبعید رفت تا ۹ سال بعد که او را در کاشمر مسموم و خفه کردند. آن دیدار و احتمالاً از دور و نه مواجهه شخصی اما چنان در خمینی جوان اثر گذاشت که سیاست را کنار فقه نشاند و عملاً شعر و فلسفه را وانهاد و به جای آن که در آرزوی رسیدن و توقف در جایگاه بزرگان حوزه همچون شیخ عبدالکریم حائری یزدی یا حتی بعدتر آیت‌الله بروجردی باشد مدرس پارلمانتاریست را الگو قرار داد و البته نه آن که بخواهد چون او نماینده مجلس شود بلکه به فراتر از آن اندیشید اما با اسلوب مدرس. دید و می‌دانست که مدرس می‌توانست به عنوان مجتهد معرفی شده از جانب مراجع بزرگ وقت در همان شورای فقهی ناظر باقی بماند (شورای نگهبان، ایده بسیار تسری یافته همان است هرچند که انتخابات را هم زیر پر و بال گرفته) اما مدرس ترجیح داد از دوره دوم به بعد نه به عنوان ناظر فقهی که وکیل مردم باشد و وارد رقابت‌های انتخاباتی شد و وجه و اعتبار فقهی را دست‌مایه جلب اعتماد مردم نکرد نه سودای قیاموت بر آنان و نظارت بر منتخبان‌شان. مدرس البته آن قدر که در ابتدا از جانب حوزه تعجب حمایت می‌شد بعدتر از پشتیبانی حوزه‌تاز متأسیس قم بر خوردار نبود و همین نیز یکی از دلایلی است که بیشتر به عنوان وکیل و نماینده شناخته شود تا مجتهد کما این که از حوزه قم هم صدایی در اعتراض به تبعید و حتی قتل او شنیده نشد و این را نیز آیت‌الله خمینی به خاطر سپرد که نمی‌تواند به حوزه بسنده کند. الگو قرار دادن مدرس البته به این معنی نبود که آرای او درباره رای زنان و جمهوریت را هم تا پایان باور داشته باشد بلکه ایده‌تلفیقی جمهوری اسلامی را در انداخت و در قبال حق رای زنان بعد از اصلاحات ارضی و در تعبیر حکومتی انقلاب سفید هوش‌مندانه گفت مگر مردان در ابراز رای آزادند که زنان باشند و در نظام سیاسی ای که خود پایه گذاشت به رسمیت شناخت در حالی که می‌دانیم مدرس این گونه نمی‌اندیشید و البته انگ و اتهامی بر او نمی‌نشیند وقتی بدانیم هفت سال بعد از قتل مدرس زنان در فرانسه به حق رای دست یافتند! تلفیق جمهوریت و اسلامیت هم برای آن بود تا ذهنیت منفی در قابل ناهم‌نشینی این دورا هم بزاید و با این همه رهبر انقلاب که نجف حمایت می‌شد بعدتر از پشتیبانی حوزه‌تاز متأسیس پایه را بر مجلس و پارلمانتاریسم گذاشته بود هرگز از یاد مدرس فرو نکاست و بی دلیل نبود که در جریان انقلابی که ۴۰ سال بعد انتقام قتل مدرس هم بود نام او بر سر زبان‌ها افتاد و پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و تغییر نام مکان‌ها و معابر، شهرداری تهران نام بزرگراه شاهنشاهی را به مدرس تغییر داد و به سرعت هم جا افتاد. امام نیز چنان به مجلس بها داد که از نظارت استصوابی خبری نبود و در وصیت‌نامه خود به شورای نگهبان توصیه نکرده مراقب باشد نمایندگان ناصالح وارد مجلس شوند بلکه این وظیفه را مطابق قواعد پارلمانتاریسم بر عهده دیگر نمایندگان گذاشته و آنها را به دقت در بررسی اعتبارنامه‌ها فراخوانده و یکی از تبعات دخالت گسترده شورای نگهبان در امر انتخابات از دهه ۷۰ به این سو این بوده که مقوله بررسی اعتبارنامه نمایندگان منتخب را تشریفاتی کرده است.

با گفتارهایی از: حسین انصاری راد / مجید نصیریور / کامران غضنفری / احمد بخشایش اردستانی